

## فوت مشکوک پسر نوجوان

## بررسی می شود

تحقیقات درباره فوت مشکوک پسر نوجوانی که پس از خودکشی نامزدش، پسر آنرا اصابت چاقو به شکمش جان باخته است از سوی کار آگاهان پلیس آگاهی ادامه دارد. به گزارش خبرنگار نما، ساعت ۱۱ صبح دیروز بود که قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس در جریان مرگ مشکوک پسر نوجوانی قرار گرفت. نخستین بررسی هانشان داد پسر ۱۷ ساله‌ای به نام شهرام روز شنبه در حالی که با اصابت جسم تیزوز نیزی از ناحیه شکم به شدت زخمی شده بود به بیمارستان لقمان منتقل می شود و در نهایت لظحاتی قبل بر اثر شدت جراحات فوت می کند.

مادر شهرام درباره حادثه به تیم جنایی گفته مدتی قبل به‌خاطر اختلافات خانوادگی از شوهرم جداشدم. از آن روز به بعد شهرام با پدرش در خانه‌ای حوالی سسر-ه‌آذری زندگی می کرد و من هم گاهی به دیدن او می رفتم. هفته قبل متوجه شدم نامزد شهرام به دلیلی به زندگی اش پایان داده است و من به گفته پدرش، شهرام پس از این حادثه افسردگی گرفته است. به همین دلیل عصر دیروز تصمیم گرفتم به دیدن پسرم بروم. نزدیک افطار بود که به خانه شوهرم قلیلم ا رفتم و متوجه شدم پسرم به شدت افسرده است به طوری که با هیچ کسی حرف نمی زد. لظحاتی بعد شهرام ناگهان به داخل آشپزخانه رفت و چاقویی برداشت و ضربه‌ای به شکمش زد. شهرام خونین نقش بر زمین شد و من هم با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک کردم و با کمک آنها پسرم را به بیمارستان رساندیم، اما متأسفانه یکروز بعد فوت کرد.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره مرگ مشکوک پسر نوجوان، قاضی منافی آذر دستور داد جسد شهرام برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد تا خودکشی یا دیگرکشی حادثه مشخص شود.

## متهم: قصد قتل نداشتم

پسری که متهم است دو سال قبل در جریان یک درگیری مردی را در جنوب تهران به قتل رسانده، در آخرین دفاع مدعی شد که قصد قتل نداشته است. به گزارش خبرنگار نما، صبح دیروز در ۲۷ ساله به نام پرویز که متهم است ۱۸ بهمن ماه سال ۹۴ مرد ۲۵ ساله‌ای به نام مسعود را در حوالی میدان بهران در جنوب تهران به قتل رسانده است، برای آخرین دفاع به شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. متهم با اظهار پشیمانی مدعی شد که هنگام حادثه قصد دفاع نداشته است و درباره حادثه به قاضی مرشدلو گفت: من و مقتول بچه یک محل بودیم، اما مدتی است من با مسعود و برادرش اختلاف دارم. مدتی قبل فرد ناشناسی روی کاپوت خودروی دوست مسعود اسپد پاشید و مسعود مدعی بود که من اسید پاشیده‌ام. من به آنها گفته بودم که اسیدپاشی کار من نیست، اما آنها باور نداشتند و همیشه به من تهمت می زدند و به بچه‌های محل می گفتند که اسیدپاشی کار من است. همین موضوع باعث شد تا اختلافات ما بیشتر شود. چند روزی بود که از طریق دوستانم شنیده بودم مقتول به دنبال من می گردد تا مرا تک زند تا اینکه لحظه حادثه کنار خیابان ایستاده بودم که ناگهان مقتول از پشت خودرویی در حالی که دو چاقو به دست داشت، به من حمله کرد.

من بافکبگر شده بودم و با دستناتم دفاع کردم. همانطور که عقب‌عقب می رفتم، پشت شمشادهای فضای سبزی به پشت زمین خوردم که مسعود با چاقو روی من افتاد و یکی از چاقوهایش از دستش افتاد و من برداشتم. او با چاقو چند ضربه به من زد و من قصد دفاع داشتم که ناگهان متوجه نشدم چطور چاقو به او برخورد کرد.

ما هر دو به بیمارستان منتقل شدیم، اما او فوت کرد. وی در پایان گفت: من قصد قتل نداشتم و فقط از خودم دفاع کردم و الان هم پشیمان هستم. متهم به زودی پس از صدور کیفرخواست در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می شود.

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

# قتل مالک معدن به خاطر اختلاف یک میلیاردی

## بی توجهی به ساختارهای قانونی منجر به شکل گیری بسیاری از پرونده‌های جنایی است

اتاق نگهبانی بر گشتم. نیم ساعت از رفتن آنها گذشته بود که ناگهان صدای شلیک گلوله شنیدم. صدا شلیک از سمت اتاق مدیر بود، به خاطر همین به طرف اتاق مدیر دویدم. لظحاتی بعد، آن دو مرد را دیدم که سراسیمه از اتاق مدیر خارج شدند. یکی از آنها اسلحه کمروی به دست داشت. خودش را به من رساند و اسلحه را زیر گلویم گذاشت و تهدیدم کرد که با کسی در این باره حرف نزنم. بعد هم به سرعت از محل فرار کردند. وقتی از محل دور شدند، خودم را به اتاق مدیر رساندم و جسد اکبر را کنار دیوار پیدا کردم و به پلیس خبر دادم. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی و ثبت حرف‌های نگهبان و تحقیقات میدانی از خانواده مقتول، صورت دو متهم چهره‌نگاری شد که نگهبان هم آنها را شناسایی کرد. تصویر به دست آمده متعلق به دو برادر به نام‌های مجتبی ۳۷ ساله و مهدی ۲۵ ساله بود که ششم خرداد ماه در محله اتابک شناسایی و بازداشت شدند.

پلیس خبر داده بود، مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت امروز در محل تعطیل بود، با این حال ساعت ۱۲ بود که اکبر- مالک معدن- به معدن آمد و گفت که با دو نفر قرار ملاقات دارد

و خواست آنها را به دفترش راهنمایی کنم. حدود ساعت ۱۵ بود که یک پراید سفیدرنگ که دو مرد جوان آن بودند، از راه رسید. آنها گفتند که با یک قرار ملاقات دارند. من هم آنها را به اتاق مدیر راهنمایی کردم و خودم به

## خواستگار قلابی ۴۱ سال در زندان می ماند

خواستگار قلابی که متهم است با فریب زنان و دختران طلای آنها را سرقت می کرد، روز گذشته متعلق و به ۴۱ سال زندان و ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد. به گزارش خبرنگار نما، بیست و نهم آذر ماه سال ۹۴، گزارش‌های مشابه سرقت طراز چند زن جوان به مأموران کلانتری ۱۲۳ نیاوران گزارش شد. یکی از مالباختگان گفت: چند روز قبل با مردی به نام فرزاد آشنا شدم. او گفت طلا فروش است و پیشنهاد ازدواج داد. بعد پیشنهاد داد طلاهایم را به قیمت مناسب تعویض می کند. به او اعتماد کردم و طلاهایم را دادم. اما دیگر از او خبری نشد. در حالی که تلاش برای ردیابی متهم آغاز شده بود، مأموران ریافتند و بر اساس سرقت‌های مشابه سه نفر از شاکیان را مورد آزار قرار داده است. بنابراین مأموران پلیس توانستند متهم را بازداشت کنند. فرشتاد ۲۲ ساله به جرمش اعتراف کرد و از سوی شاکیان شناسایی شد.

با کامل شدن بررسی‌ها، پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد. ابتدایی‌اکی از شاکیان گفت: تنها سه روز از آشنایی مامی گذشت که او مرا به امرازه صالح برد و قسم خورد نیتش از دواج است. او از من خواست که به دیدن مادرش بروم تا آنها به خواستگارم بیایند. روز حادثه در ماشین نشسته بودم که خواست تا با هم آمیوه بنشینم. بعد از خوردن حدود ساعت ۴ صبح بود که خودم را در حاشیه شهر دیدم. او بعد از اذیت و آزار با سرقت پول و موبایلم فرار کرده بود. دومین شساکمی گفت: مشغول تحصیل در مدرسه شانه‌روزی بودم و روز حادثه به عنوان مسافر سوار پراید متهم شدم. او ابراز علاقه کرد و قسم خورد که به من علاقه‌مند است و قصد ازدواج دارد.

بعد از آنکه کاملاً اعتماد مرا جلب کرد، گفت با کامل شدن بررسی‌ها، پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد.

می تواند طلاهایم را با طلاهای جدیدی و قیمت مناسب تعویض کند. با این پیشنهاد سرویس طلای مادرم را به ارزش ۱۶ میلیون تومان همراه طلاهای خودم بردم تا برای تعویض به مزایا دوستش ببریم، اما او بهانه آورد که مغازه تعطیل است. به همین خاطر به مانتو فروشی رفتم. وقتی به اتاق پرو رفتم، او اصرار داشت تا کفای را به او بدهم، اما قبول نکردم. هنگامی که برای رفتن به خانه سوار ماشینش شدم، فرشتاد بعد از کمی رانندگی گفت حالش بد است. برای خرید آپ از ماشین پیاده شدم که لافاصله کیفم را سرت کرد و رفت. بعد از توضیحات شاکیان پرونده، متهم بنابه درخواست ریاست دادگاه در جایگاه حاضر شد و گفت: سرقت پول و طلاها را قبول دارم اما اتهام اذیت و آزار را قبول ندارم. در پایان بعد از آخرین دفاع متهم هیئت قضایی بعد از شور با توجه به مدارک موجود در پرونده و استناد به مدارک پزشکی قانونی متهم را به ۴۱ سال حبس و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند.



## پشیمانی مهسا از قتل پدر

دختر محکوم به مرگ که متهم است در نوجوانی یا همدستی مادرش، پدر خود را به قتل رسانده. روز گذشته در جلسه دادگاه خود را به پای دیور پدرش انداخت و از آنها در خواست گذشت کرد. به گزارش خبرنگار نما، بیست و هفتم خردادماه سال ۹۰، مأموران پلیس تهران از قتل مرد میانسالی در شرق تهران با خبر شده در محل حاضر شدند. جسد متعلق به حسین ۵۲ ساله بود که با ضربات چاقو کشته شده بود. مرد همسایه که با پلیس تماس گرفته بود، گفت: وقتی از خانه بیرون آمدم با جسد مرد همسایه مواجه شدم و با پلیس تماس گرفتم. کارآگاهان پلیس وقتی قدم به خانه مقتول گذاشتند به فرش خیس پهن شده روی دیوار خانه مشکوک شدند و احتمالاً دادند که حسین می شوم.

خانه به قتل رسیده و سپس جسدش به بیرون منتقل شده است. فریده، همسر ۴۵ ساله مقتول و مهسا دختر ۱۶ ساله‌اش وقتی مورد تحقیق قرار گرفتند به همدستی در قتل اعتراف کردند. فریده در شرح ماجرا گفت: دخترم می خواست با پسری که به خواستگاری‌اش آمده بود ازدواج کند، اما شوهرم مخالفت کرد. بعد از آن بود که از راهی به پیشنهاد قتل را مطرح کرد. من هم به خاطر آزارهایی که از شوهرم دیده بودم موافقت کردم و شوهرم را به قتل رساندیم. مهسا هم در شرح ماجرا گفت: وقتی فرهاد پسر همسایمان به خواستگاری آمد پدرم برای تحقیق به محل کارش رفت و چند روز بعد گفت او پسر خوبی نیست و باید از ازدواج با او منصرف شوم.

متهم ادامه داد: از شنیدن این حرف شوکه شدم. از مادرم خواستند تا پدرم را راضی کند، اما آنها با هم درگیر شدند. ر آن درگیری پدرم، مادرم را به شدت کتک زد. همان شب بود که شیطان مرا وسوسه کرد و نقشه قتل پدرم را کشیدم. وقتی موضوع را با مادرم در میان گذاشتم، او هم قبول کرد و فرار شد مرا کمک کند. او در خصوص قتل گفت: من و مادرم ابتدا پدرم را با آب میوه مسموم کردیم و بعد از آنکه او بی حال روی زمین افتاد با چاقو چند ضربه زدیم. بعد از قتل برای رد کم کردن، جنازه را مقابل در خانه همسایه انداختیم.

بعد از کامل شدن بررسی‌ها، دو متهم به اتهام مباشرت در قتل روانه زندان شدند و پرونده تکمیل و به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده



### شهادت ۲ مرزبان ارومیه

### در درگیری با اشراق

دو نفر از مرزبانان هنگ مرزی ارومیه در جریان درگیری با اشترار مسلح به شهادت رسیدند. سرهنگ قارداش علی کلایی، معاون اجتماعی فرماندهی مرزبانی آذربایجان غربی گفت: این حادثه عصر روز شنبه اتفاق افتاد که در جریان آن سرهنگ دوم محمدرضا فیروزی (اهل میاندوآب) و استوار دوم جواد فرحی (اهل بناب) به شهادت رسیدند و استوار دوم رضانعمتی و سرباز وظیفه حسین قهرمانی نیز مجروح شدند. وی ادامه داد: این مرزبانان هنگام گشت‌زنی در منطقه حسنلو سلطانی از توابع هشتیان در نوار مرزی ارومیه با اشراق مسلح درگیر شدند و به شهادت رسیدند.

### شای مرگ در رودخانه

جوانی ۲۸ ساله هنگام شنا در رود خانه سیمکان جهرم غرق شد. این حادثه روز گذشته اتفاق افتاد و مرد جوان که همراه سه نفر از دوستانش مشغول شنا در رودخانه بود، به علت آشنا نبودن با فن شنا غرق شد. سرهنگ عبدالعظیم انصاری، فرمانده انتظامی جهرم گفت: جسد به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات بیشتر در جریان است.

### قتل به خاطر سرقت ۶۰ هزار تومان

سهه مرد افغان که به خاطر سرقت ۶۰ هزار تومان مردی را در شهر ستان دماوند به قتل رساندند، و جسدش را به آتش کشیدند، بازداشت شدند.

چند روز قبل به مأموران پلیس دماوند خبر رسید که جسدی سوخته حوالی روستای سربندان منطقه جابان کشف شده است. با حضور پلیس در محل معلوم شد که عاملان حادثه بعد از قتل جسد را سوزانده‌اند. همچنین مأموران در بررسی بیشتر خودروی رها شده‌ای کشف کردند که معلوم شد متعلق به مقتول است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان متوجه شدند که عاملان حادثه سه مرد افغان هستند که تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. همچنین معلوم شد که متهمان بعد از حادثه برای فرار به افغانستان راهی مرزهای شرقی کشور شده‌اند که در تجسس‌های پلیس بازداشت شدند. سردار عبدالرضا ناظری، رئیس پلیس شرق استان تهران گفت: متهمان به جرم خود اعتراف کرده‌اند و بررسی‌ها در جریان است.

### ربودن کودک ۸ساله

### به خاطر اختلاف مالی

مردی که به خاطر اختلاف مالی کودک هشت ساله‌ای را در شهرستان زاهدان به گروگان گرفته بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار نما، سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان گفت: ۱۶ اردیبهشت‌ماه بود که اعضای خانواده‌ای که شدن ناگهانی پسر بچه هشت‌ساله‌شان را به پلیس خبر دادند. آنها گفتند که پسرشان صبح راهی مدرسه شده و دیگر بازنگشته است.

سرهنگ ملاشاهی ادامه داد: مأموران پلیس در تحقیقات بعدی متوجه شدند که کودک هشت‌ساله در راه مدرسه ربوده شده است. خانواده کودک که پلیس گفتند که فردی با آنها تماس گرفته و در قبال راهی کودک از درخواست پول کرده است. بعد از آن بود که کودک از کارآگاهان پلیس دست به تحقیق زده و موفق شدند مرد آدم‌باز را بزداشت و کودک را در سلامت کامل آزاد کنند. مرد آدم‌باز اقرار کرد که با انگیزه اختلاف مالی دست به آدم‌بازی زده است. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

### انواع رأی

هر گاه قاضی قسمتی از پرونده را آماده برای صدور رأی بداند، می تواند رأی آن را صادر و اعلام کند. این مورد چند حالت می تواند داشته باشد:
۱- نسبت به بعضی اتهامات رأی را صادر کند و نسبت به سایر اتهامات پرونده را باز بگذارد.
ملاشاهی در پرونده‌ای متهم به سرقت سرقت، پرونده باز بماند.
۲- نسبت به اتهامات متهمان را صادر شده و قاضی پرونده را مختوم اعلام کند.
۳- پرونده باز بماند.
۴- نسبت به تمام اتهامات متهمان رأی صادر شده و قاضی پرونده را مختوم اعلام کند.
۵- نسبت به مجازات کیفری متهمان رأی صادر شود و اگر شاکی دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم داده باشد، نسبت به ضرر و زیان از جرم نیز اظهار نظر و رأی صادر شود.
۵- نسبت به مجازات کیفری متهمان رأی صادر شود و اگر شاکی دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم داده باشد و قاضی به دلیل نیاز به بررسی بیشتر، اظهار نظر نکند، بعداً در این مورد رأی صادر می شود. در هر حال دادگاه باید مستند به قانون یا منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر باشد. همچنین قاضی باید استدلال کند که به دلیل دلایل شرعی و قانونی متهم را محکوم می کند. نکته دیگر اینکه قاضی باید تکلیف اموال توقیفی را معین و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم نیز اظهار نظر کند. سرانجام رأی به طرفین ابلاغ می شود و باید قطعی یا غیرقطعی بودن رأی در رأی دادگاه قید شود.

### بشگاه نظری